مردم بیایند انتخابات دوقطبی می‌شود

ارزیابی غلامحسین کرباسچی از رد صلاحیت‌ها و نامزدهای نهایی ریاست جمهوری

ردصلاحیت‌ها در چهاردهمین دور از انتخابات مجلس به مثابه انتخابات ۱۴۰۰ حاشیه‌ساز بود، آنها که زمانی در پست‌های حساس و کلیدی نظام بودند یا هستند با ردصلاحیت روبه‌رو شدند و آنهایی که حتی برچسب کاندیدای پوششی همراه‌شان بود، تایید شورای نگهبان را گرفتند. غلامحسین کرباسچی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و مدیرمسئول روزنامه هم‌میهن در این زمینه گفت‌وگویی با «خبرآنلاین» انجام داد که در ادامه می‌آید:

آقای کرباسچی! تحلیل شما از ترکیب شش نفر از افراد تاییدصلاحیت‌شده چیست؟

به‌غیر از یک نفر بقیه کاندیداها به تعبیری سر و ته یک کرباس هستند؛ تصور می‌کنم آقای پزشکیان را هم به‌دلیل رودربایستی در لیست کاندیداها نگه داشتند. این کاندیداها تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند و به نظر نمی‌رسد تا پایان مقابل یکدیگر بایستند. برخی از کاندیداها بانیان وضع موجودهستند.

در مورد کاندیداهایی مثل آقای زاکانی، قاضی‌زاده‌هاشمی و جلیلی ارزیابی‌تان چیست؟ آیا حضور اینها در جمع کاندیداها باعث افزایش مشارکت خواهد شد؟

نمی‌توان گفت که کسی به آنها رای نمی‌دهد، حتماً عده‌ای اینها را قبول دارند و به آنها رای خواهند داد منتهی اگر اکثریت مردم پای صندوق‌های رأی بیایند و در انتخابات شرکت کنند باید دید آنها به چه کسی رای خواهند داد. به هر حال هر کسی کاندیدا شود می‌تواند تعدادی رأی کسب کند. برخی آقایان نیز دائم‌الثبت‌نام هستند یعنی هر اتفاقی رخ دهد این افراد در آنجا کاندیدا می‌شوند؛ الحمدلله همواره تاییدصلاحیت می‌شوند. بسیار جالب است که در مجموعه نظامِ بررسی و تاییدصلاحیت‌ها، به‌عنوان مثال آقای لاریجانی ردصلاحیت می‌شود اما آقای زاکانی شهردار تهران و بقیه افراد تایید صلاحیت می‌شوند. به‌عنوان مثال اگر گفته می‌شود که دختر آقای لاریجانی در خارج از کشور است (نمی‌خواهم تایید کنم) مگر آقایان دیگر این‌گونه نیستند؟ همین آقای زاکانی مگر نگفته است دخترش به خارج از کشور رفته تا کار یاد بگیرد و کار انقلابی کند؟! اینها با یکدیگر فرقی نمی‌کنند. به هر حال نکته مهم این است که ما نمی‌دانیم معیارها چیست و بر چه اساسی است و به نظر می‌رسد سواد ما کافی نیست؟! در واقع برای ما جالب است که این اتفاقات رخ می‌دهد. الان زمان تبلیغات انتخابات است؛ آقای زاکانی شروع کرده به توزیع تاکسی برقی و مصاحبه کردن، حال سوال این است که آیا این کارها ایرادی ندارد و آقایان ایرادی نمی‌گیرند؟!

به ردصلاحیت آقای لاریجانی اشاره کردید. تحلیل شما از ردصلاحیت ایشان چیست؟

رهبری فرمودند که به ایشان جفا شده است. علما و مراجع تقلید نیز در این باره اظهارنظر کردند. چه دلایلی بوده که نظر شورای نگهبان درباره وی مساعد نبوده؛ مبهم است و بنده نمی‌دانم. متاسفانه حالت و وضعیتی که در کشور چه به صورت قانونی و چه غیرقانونی حاکم است بسیار ناخوشایند است. بدین‌گونه که یکسری شخصیت‌های شناخته‌شده، معروف و اصل و نسب‌دار و کسانی که از ابتدای انقلاب حضور داشتند و برای مدت‌ها در همه موارد تاییدصلاحیت می‌شوند، سال‌ها برای مسائل امنیتی و مهم کشور نفر اول بودند اما به یکباره برای پُست ریاست‌جمهوری و یا نمایندگی مجلس ردصلاحیت می‌شوند (ممکن است بگویند قانون اجازه نمی‌دهد و...) اما به هر حال اگر توضیح داده نشود که بر چه اساس و معیاری آقای لاریجانی ردصلاحیت شده است باعث بی‌اعتمادی کامل در جامعه می‌شود و به این گزاره که بیگانگان می‌خواهند اینگونه القا کنند که این انتخابات ساختگی است و از قبل تعیین شده است بیشتر دامن خواهند زد. این‌گونه مسائل آن شایعات و تبلیغات بیگانگان را تقویت می‌کند. در واقع مردم این‌گونه فکر می‌کنند که فلان شخص را ردصلاحیت کردند که فلانی بیاید؛ از این‌گونه مسائل همواره مطرح می‌شود. این‌گونه مسائل به ضرر شورای نگهبان، نظام و اعتماد به مردم و استقلال کشور است.

در همین ترکیب فعلی، به نظر شما رقابت بین کدام‌یک از چهره‌هاست؟ بسیاری رقابت اصلی را بین قالیباف و پزشکیان و جلیلی می‌دانند یا بین قالیباف و پزشکیان؟

به نظر می‌رسد رقابت چندانی بین بقیه وجود ندارد و در واقع همه آنها شامل یک عده می‌شوند؛ به بیان دیگر باید گفت که ۵ کاندیدا در برابر ۱ نفر قرار گرفته‌اند. رقابت اصلی اینگونه است تا ببینیم مردم چه قضاوتی خواهند کرد. بعید می‌دانم این پنج کاندیدا هم رقابت خاصی با یکدیگر داشته باشند. ممکن است در آخر با مذاکره و قول و قرارهایی که با یکدیگر می‌گذارند کنار بروند. در گذشته هم وضعیت بدین‌گونه بوده که برخی در انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت‌نام می‌کردند. یکی شهردار می‌شد و دیگری هم رئیس بنیاد شهید می‌شد و بدین ترتیب به نفع نفر اصلی از صحنه رقابت انتخاباتی کنار می‌رفتند. در حال حاضر هم به نظر می‌رسد وضعیت بدین گونه باشد.

در حال حاضر وضعیت اصولگرایان را چطور می‌بینید؟ با توجه به اینکه اکنون فضای متفاوتی بین اصولگرایان حاکم است و مانند انتخابات سال ۱۴۰۰ نیست که همه اصولگرایان روی ابراهیم رئیسی اجماع کردند؟

اصولگرایان نهایتاً یک هسته مرکزی دارند که وضعیت بین آنها را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کند. به نظر نمی‌رسد به تعبیری کُشت و کشتار و درگیریِ چندان قابل توجهی بین آن‌ها رخ دهد. در نهایت بین خودشان مشخص می‌کنند که کدام شخص باید در انتخابات باقی بماند. شاید هم به گفته شما وضعیت متفاوت شده باشد اما آنچه ما می‌بینیم و احساس می‌کنیم این است که چندان جدی نیست و در حال حاضر همه اصولگرایان شمشیر را برای بنده خدا آقای پزشکیان تیز کرده‌اند. اگر به اظهارنظرات آنها نیز توجه و دقت کنیم برای دفاع از دولت آقای رئیسی و حمله به پزشکیان آمده‌اند.

آقای جلیلی هم به نظر شما به نفع آقای قالیباف کنار می‌رود؟

این موضوع را باید از خودشان پرسید. به نظر نمی‌رسد میزان آراء آقای جلیلی چندان تعیین‌کننده باشد اما در هر صورت اگر احساس کنند فضای دوقطبی در انتخابات ایجاد شده علی‌القاعده چه آقای جلیلی و چه بقیه کاندیداهای اصولگرایان مدیریت می‌شوند چراکه به هر حال به تعبیری آبشخور همه آنها یکی است؛ با یکدیگر فرقی ندارند. به هر حال جریان اصولگرا جریانی با شعبه‌ها و افراد مختلف است.

پیش‌بینی شما از فضای انتخابات چطور است؟ فضای انتخابات دوقطبی خواهد شد؟

فضای انتخابات بستگی به این موضوع دارد که مردم احساس کنند که لازم است حضور پیدا کنند یا خیر. از دیدگاه بنده اگر مردم پای صندوق‌های رأی بیایند فضا دوقطبی خواهد شد و مردم به جریانی که تغییراتی ولو جزئی بدهد رای می‌دهند نه کسی که بخواهد شرایط موجود را ادامه دهد و افتخارش نیز این مسئله باشد همین وضعیت را بخواهد ادامه دهد و...

در مورد آقای پزشکیان برخی می‌گویند او شاخص کامل اصلاح‌طلبی نیست و حتی برخی می‌گویند او اصولگرای منتقد است و گویا منشور جبهه اصلاح‌طلبان را هم امضا نکرده است، نظر شما در این باره چیست؟

آقای پزشکیان، پزشکیان است؛ مگر آقای آخوندی که رفته آن منشور را امضا کرده اصلاح‌طلب بوده است؟ ذات و بنیان آقای آخوندی همواره در جریان اصولگرایی بوده و در دوم خرداد اصلی‌ترین چهره مقابل جریان آقای خاتمی بوده است. این موضوع چندان مورد بحث نیست. آقای پزشکیان فرد مستقل، سالم و صادقی است و با شفافیت حرفش را می‌زند؛ دنبال حق است و اگر جایی اصلاح‌طلب یا اصولگرا باشد حرف حق را به صراحت مطرح می‌کند. به‌عنوان مثال گاهی اوقات در همین مجلس، وقتی به چهره اصولگرایی ظلمی شد از آنها دفاع کرده است و از سوی دیگر نیز همراه اصلاح‌طلبان، مرحوم آقای هاشمی، آقای خاتمی، آقای موسوی و کروبی و این جناح‌ها بوده است. در واقع باید به اظهارات آقای پزشکیان مراجعه و توجه شود. اظهاراتی که ایشان در مجلس مطرح کرده و همواره هم در معرض ردصلاحیت بوده است؛ درحالی که یک نفر از اصلاح‌طلبان این حرف‌ها را نزده است. ایشان از تریبون مجلس اظهارات خود را مطرح کرده است. در سال ۸۸ و ۹۱ ایشان از مردم و حقوق آنها دفاع کرده است. کدام‌یک از اصلاح‌طلبان حتی بزرگترین و به‌تعبیری اصلاح‌طلب‌ترینِ آنها، این اظهارات را مطرح کرده است؟! کلیپ‌های آن نیز موجود است و سابقه ایشان نیز مشخص است. حال اگر اصلاح‌طلبی به معنای این است که شخصی به دنبال خیر و صلاح و کمک به زندگی مردم و توسعه کشور باشد، ایشان هم تجربه‌اش را دارد و هم پنج دوره در مجلس حضور داشته است و در عین حال از لحاظ فکری فردی مستقل و باوفا به نظام، مردم، انقلاب و مسلط به متون دینی است و ایشان از بسیاری از اصولگرایان مدعی، مسلمان‌تر و بدین معنا اصولگراتر است.

آیا پزشکیان می‌تواند بین همه جریانات اصلاح‌طلب اجماع ایجاد کند؟

امیدواریم و انشاالله این مهم صورت گیرد؛ البته تا حدودی این اجماع صورت گرفته و انشاالله کامل‌تر خواهد شد.

رقابت نهایی را بین کدام چهره‌ها می‌بینید؟

به نظر می‌رسد اگر مردم پای صحنه بیایند رقابت بین پزشکیان و قالیباف است. ممکن است بقیه کاندیداها خودشان را در آرا بالا بیاورند. بنده قبلاً در مصاحبه‌ای اشاره کردم که اگر آقای لاریجانی بماند رقابت بین لاریجانی و قالیباف است چراکه شایعه شده بود آقای پزشکیان ردصلاحیت می‌شود اما اگر آراء خاکستری وارد میدان بیایند وضعیت متفاوت خواهد بود. در حال حاضر هم اگر این آراء خاکستری پای صندوق‌های رأی بیایند این رقابت و فضای دوقطبی شکل می‌گیرد؛ در نهایت سرنوشت به خیر و صلاح مردم رقم خواهد خورد.

ادامه سرمقاله

مجلس که اکثریت نمایندگان آن طرفدار رئیس مجلس هستند، چه اقدام نظارتی یا قانونگذاری در این مورد انجام داده‌اند؟ واکنش جهانی و منطقه‌ای انجام چنین اقدامی چیست؟

همه این پرسش‌ها بی‌جواب خواهد ماند؛ چون تاکنون حتی یک جمله رسمی در پاسخ به این پرسش‌ها شنیده نشده است و آقای قالیباف نیز به‌عنوان رئیس مجلس و عضو شورای سران سه قوه و مجمع تشخیص مصلحت و شورایعالی امنیت‌ملی، به این پرسش‌ها پاسخ رسمی و عمومی نداده و لذا طبیعی است که بدون پرداختن به این پرسش‌ها، وعده دادن درباره آن نیز دقیقاً مثل تک‌رقمی کردن تورم و حل مسئله بورس در سه روز است.

این نحوه وعده دادن نشانه صداقت داشتن است؟ مسئله مهاجران غیرمجاز بسیار پیچیده است و باید گزارش‌های کارشناسی دقیقی درباره آنها تهیه و منتشر شود و بر اساس آن تصمیم‌گیری کرد. مردم از شنیدن وعده‌های فاقد بنیان کارشناسی و فاقد ضمانت اجرایی خسته شده‌اند. علت بی‌اعتمادی مردم همین وعده‌ها است. بیش از این وعده‌های بدون پشتوانه نباید داد. این کاری است که برخلاف برخی از نامزدها، آقای پزشکیان باید از انجام آن پرهیز کند و تاکنون هم رعایت کرده است.

گزارش یک

نسخه تبلیغاتی قالیباف

بررسی وعده جدید نامزد اصلی اصولگرایان درباره مواجهه با اتباع افغان

شادی مکی
گزارشگر هم‌میهن

محمدباقر قالیباف، کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری بعد از یکی دو روز که نکاتی را به آرامی مطرح کرد کوشیده یک برگ برنده رو کند و آن همانا اتباع خارجی غیرمجاز در ایران است. احتمالاً مشاورانی به تأسی از برخی احزاب در اروپا به او مشورت داده‌اند تا به سبک راست افراطی به مهاجرستیزی روی آورد چراکه به‌عنوان اشغال کنندگان فرصت‌های شغلی شناخته می‌شوند و ناسیونالیست‌های افراطی با مهاجرستیزی هم‌شناخته می‌شوند. روشن است که در ایران هم فضای منفی در لایه‌هایی از جامعه علیه شماری از پناهنگان خاصه اتباع غیرمجاز شکل گرفته و چشم به رأی آنان دارد اما داستان این است که آقای قالیباف همین حالا هم رئیس مجلس است و در تمام ۴ سال گذشته و در مجلس قبل هم می‌توانست به این موضوع بپردازد و اینکه ناگاه به این موضوع پرداخته محل تأمل است آن هم نه از منظر حقوقی و قانونی که به نظر می‌رسد با اتکا به زور و همان که بعد از مناظره مشهور با حسن روحانی در سال ۹۲ به عملیات گازانبری شهرت یافت. قالیباف گفته است: «در ماده ۸۶ برنامه هفتم برای اختصاص بودجه به مرزهای شرقی پیش‌بینی شده و این که در طول برنامه انسداد کامل رخ دهد. درباره افراد غیرمجاز که در داخل کشور هستند نیز پیش‌بینی شده طرد کامل صورت گیرد. افرادی که مجاز هستند می‌توانند بمانند.» طرد کامل را می‌توان با همان گازانبر توضیح داد. او به آن سخنان بسنده نکرده و در شبکه ایکس هم نوشته است: «چاره‌جویی قاطعانه برای حل مسئله چندبعدی اتباع بیگانه غیرمجاز از دغدغه‌های مهم مردم است. بی‌عملی در این خصوص به ابعاد امنیتی اقتصادی و اجتماعی آن دامن می‌زند. بر این موضوع اشراف کامل داشته و داریم در دولت بعد نگرامی مردم را رفع خواهیم کرد.» این را کاندیدایی نوشته که از سال ۱۳۹۸ تا همین حالا بر مسند ریاست مجلس شورای اسلامی تکیه زده و در این جایگاه می‌توانست با پیشنهاد طرح یا رایزنی برای ارائه لایحه از سوی دولت در قالب یک مصوبه قانونی خلأهای قانونی موجود در این حوزه را رفع کند.

چنین کاری انجام نشد و به جای آن مصوبه‌های حقوقی-اجتماعی مجلسی که او ریاست آن را برعهده داشت محدود به مواردی شد که غالباً مایه انتقاد و مخالفت متخصصان و بخش‌های بزرگی از جامعه می‌شد.

موضوع حضور چندمیلیونی و رو به تزاید اتباع خارجی اعم از مجاز و غیرمجاز امری اجتماعی و البته چند لایه است. یک سوی این مسئله ابعاد انسانی و اخلاقی قرار دارد و سویه دیگر آن مرتبط با مسائل مهمی مانند امنیت اجتماعی و تبعات پرریسک ناشی از حضور افرادی ناشناس در کشور است.

با این حال قالیباف با سودای نشستن بر کرسی ریاست‌جمهوری که سال‌هاست چراغ راه او بوده، ترجیح داده یک بار دیگر به شیوه‌ای روی آورده که اصطلاحاً به برخوردهای گازانبری مشهور شده و ویژگی آن بهره نبردن از مشورت متخصصان است و بدون پیوست‌های حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی و ناگاه بی‌توجه به همه اینها این بحث را پیش کشیده است.

طبیعی است که پرسیده شود اگر برنامه‌ای وجود دارد چرا تاکنون استفاده و به اجرا گذاشته نشده است؟ چنان که اشاره شد این موضع بیش از هر موضوع دیگر یادآور همان مناظره مشهور در سال ۱۳۹۲ است که قالیباف در آن گفت: «در آن زمان -واقعه کوی دانشگاه در سال ۷۸- شما دبیر شورایعالی امنیت ملی بودید و بنده هم فرمانده نیروی انتظامی... در جلسه‌ای به شما آقای روحانی گفتم اجازه بدهید دفتر تحکیم وحدت مراسم بگیرد اما شما گفتید: بابا دنبال دردسری؟ ول کن. چه مجوزی؟ بنده اصرار داشتم دانشجو باید حرف خودش را بزند اما در چارچوب قانون.» روحانی اما به این سخن قالیباف پاسخی تکان‌دهنده و قابل تأمل داد که در یادها ماند: «آقای قالیباف خیلی دلم نمی‌خواست بگویم اما شما مرا ناچار کردید، آنجا بحث این بود که شما می‌گفتید دانشجویان بیایند تا ما گازانبری برنامه داریم تا کار را تمام کنیم. ما می‌گفتیم راه این نیست که مجوز بدهیم بعد گازانبری آنها را دستگیر کنیم...»

اینکه آقای قالیباف بعد از ۴ سال فرصت قانون‌گذاری درباره اتباع غیرمجاز قصد دارد در صورت انتخاب به ریاست‌جمهوری با شیوه قبل موضوع را حل کند، مورد توجه است حال آنکه همه می‌دانند تنها با استفاده از روش‌های نظامی و انتظامی قابل حل نیست. نکته قابل تأمل‌تر اما اینکه این نوع تبلیغ مهاجرستیزی یا نفرت‌پراکنی شیوه راست افراطی در اروپاست درحالی که آقای قالیباف اصرار دارد خود را از جریانات راست افراطی متمایز نشان دهد و در قضایای بعد از ماجرای مهسا در سال ۱۴۰۱ هم گفته بود به حکمرانی نو نیاز داریم و از منظر حکمرانی نو هم می‌توان ایده یا مدعای او را بررسی کرد.

حل مسئله اجتماعی یا فرصت‌طلبی سیاسی

آرش نصراصفهانی، پژوهشگر اجتماعی که پیشتر مطالعاتی در حوزه مهاجران افغانستانی انجام داده است، درباره این اظهارنظر قالیباف معتقد است: «ما نوعی فرصت‌طلبی سیاسی را مشاهده می‌کنیم که از فضای نارضایتی و ترسی که براساس اطلاعات اشتباه از حضور افغانستانی‌ها در ایران شکل گرفته، استفاده می‌کند.» او به هم‌میهن می‌گوید: «وقتی از مسئله اجتماعی صحبت می‌کنیم اولین سوالی که مطرح می‌شود این است که چه گروه‌هایی پدیده مذکور را تبدیل به یک مسئله اجتماعی و نگران‌کننده کرده‌اند. درباره افغانستانی‌های ساکن ایران همواره گروه‌هایی سعی داشتند که آنها را یک مسئله جلوه دهند اما از سال گذشته این موضوع شدت گرفته و طیفی از هراس جمعی در جامعه ایجاد شده که گروه زیادی از افراد غیرقانونی در کشور زندگی می‌کنند که تهدیدی برای اقتصاد، امنیت و فرهنگ است. این درحالیست که براساس آمار وزارت کشور و برآورد کمیساریای سازمان ملل بین ۴/۵ تا ۵ میلیون نفر افغانستانی در کشور زندگی می‌کنند. براساس آمار وزارت کشور حدود ۴ میلیون نفر دارای شکلی از مدارک اقامتی صادرشده توسط دولت ایران هستند و به شکلی قانونی در ایران زندگی می‌کنند.» او ادامه می‌دهد: «از سال گذشته به شکلی این مسئله در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها مطرح شد که گویا بخش عظیمی از این جمعیت به‌صورت غیرقانونی در کشور زندگی می‌کنند؛ درحالی که بخش اندکی از این جمعیت حضور رقانونی در کشور دارند.» این پژوهشگر اجتماعی تاکید می‌کند: «شرایط زندگی و نیازهای این گروه و تاثیرات آنها بر جامعه ایرانی متفاوت است. اما اگر تنها بر گروهی متمرکز باشیم که به شکل غیرقانونی در کشور زندگی می‌کنند، باید به ابعاد آن توجه کنیم. یک دلیل حضور غیرقانونی یک فرد در ایران این است که مکانیزم قانونی برای ثبت حضور او وجود ندارد. در بسیاری از کشورها فردی که وارد می‌شود مشخصات خود را ثبت کرده و

گزارش دو

حمایت جبهه اصلاحات از پزشکیان رسمی شد

گروه خبر: احزاب و شخصیت‌های اصلاح‌طلب، یکی پس از دیگری حمایت خود را از نامزد نهایی جبهه اصلاحات برای ریاست‌جمهوری اعلام می‌کنند. مسعود پزشکیان در کنار محمدباقر قالیباف و سعید جلیلی، سه نامزدی هستند که رسانه‌های طیف‌های مختلف کشور آن‌ها را به چشم کاندیداهای جدی و تاثیرگذار این رقابت معرفی می‌کنند. در شرایط امروز یعنی ۲۴ خرداد پزشکیان همچنان قرار است با ۵ کاندیدای اصولگرا رقابت کند. پس از اعلام راهبرد جبهه اصلاحات در انتخابات چهاردهم، سیدمحمد خاتمی با صدور بیانیه‌ای ضمن تائید و حمایت این راهبرد، اعلام کرد که اگر پیشنهادهای جبهه محقق شود، در انتخابات شرکت می‌کند. روز گذشته آذر منصوری در شبکه ایکس (توئیتر) نوشت: «جمع‌بندی آخرین جلسه مجمع عمومی جبهه اصلاحات ایران: جبهه اصلاحات ایران در سراسر کشور در فرصت باقیمانده تا پایان تبلیغات، همراه و همگام با ستاد مرکزی دکتر پزشکیان همه ظرفیت‌های خود را برای پیروزی ایشان به کار گیرند.»

حزب اتحاد ملت؛ حزب اتحاد ملت با انتشار اطلاعیه کوتاهی، حمایت این تشکیلات سیاسی اصلاح‌طلب از مسعود پزشکیان را اعلام کرد: «جلسه دفتر سیاسی حزب اتحاد ملت ایران اسلامی به ریاست آذر منصوری، دبیرکل و با حضور اعضا برگزار شد. با توجه به راهبرد اعلامی حزب مبنی بر همراهی با جبهه اصلاحات، ضمن اعتراض به ردصلاحیت آقایان آخوندی و جهانگیری، حزب اتحاد ملت ایران اسلامی همگام با اصلاح‌طلبان، حمایت خود را از آقای مسعود پزشکیان اعلام و برای ایشان در رقابت با پنج کاندیدای جریان اصولگرا آرزوی موفقیت دارد.»

حزب اسلامی کار؛ روابط عمومی حزب اسلامی کار نیز مانند اتحاد ملت، با صدور بیانیه‌ای کوتاه حمایت خود را از این نامزد انتخابات چهاردهم اعلام کرد: «با توجه به مصوبه دفتر سیاسی حزب پیرامون حمایت از نامزدی آقای دکتر مسعود پزشکیان در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۳ هجری شمسی شورای مرکزی حزب اسلامی کار با اکثریت آراء آقای دکتر پزشکیان را به‌عنوان کاندیدای مورد حمایت حزب در انتخابات تیرماه برگزیده و مورد حمایت قرار خواهد داد. کلیه دفاتر حزب در سراسر کشور و همچنین سازمان‌های وابسته موظفند تا در جهت تقویت ستادهای آقای دکتر پزشکیان اقدامات لازم را به عمل آورند.»

انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها؛ در بخشی از بیانیه این تشکل سیاسی می‌خوانیم: «در میان نامزدهای اعلام‌شده توسط شورای نگهبان، پنج نفر از میان اصولگرایان و مدافعان وضع موجود و تنها یک نفر از بین اصلاح‌طلبان و منتقدان وضع موجود قرار دارد. با وجود غیرعادلانه بودن چنین رقابتی، انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها با اعتقاد به بحرانی بودن شرایط کشور در عرصه‌های مختلف حکمرانی و لزوم متوقف و متحول ساختن آن، به‌طور قاطع و همه‌جانبه، از نامزدی جناب آقای دکتر مسعود پزشکیان حمایت نموده و همگان را به رای دادن به ایشان دعوت می‌نماید.»

توصیه مرعشی به پزشکیان؛ حسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران به جماران گفت: «آقای پزشکیان باید همانی که هست ظاهر شود. شخصاً نمی‌پسندم که کاندیدای ریاست‌جمهوری دوپینگ کند و بیاید حرف دیگران را بزند. توصیه من به آقای پزشکیان این است که خودش ظاهر شود، در تلویزیون، در اجتماعات. هیچ چیز بهتر از اصالت نیست؛ آقای پزشکیان اگر به اصالت‌های خودش پایبند باشد خداوند کمکش می‌کند، قلوب مردم ایران به سمت او هدایت می‌شود و انشاءالله کارساز خواهد بود.»

حمایت نمایندگان ادوار مجلس؛ سیدمهدی مقدسی (اراک)، جلیل رحیمی جهان‌آبادی (تربت جام و تایباد)، احمد مازنی (تهران)، عزت‌الله یوسفیان‌ملا (آمل)، محمد فیضی (اردبیل)، شهروز برزگر (سلماس)، ولی آذروش (اردبیل)، رضا کریمی (اردبیل) سیدابوالفضل موسوي بيوكي (یزد)، شهرام کوسه‌غراوی (مینودشت و مراوه‌تپه)، ناصر شریفی (بندر لنگه)، رامین نورقلی‌پور (بندر ترکمن)، معین‌الدین سعیدی (چابهار)، حسن امین‌لو (شبستر)، محمدباسط درازهی (سراوان)، محمد الیاسی (ورزقان)، محمدسعید اربابی (ایرانشهر)، عبدالله رضیان (قائمشهر)، سیدحمزه امینی (هشترود)، محمدعلی وکیلی (تهران)، مصطفی کواکبیان (تهران)، فریده اولادقباد (تهران)،